

افغانستان پس از صلح؛ نگاه گروه‌های افراطی و تروریستی به کجا است؟

به گزارش خبرگزاری فارس، در این گزارش، برخی تحلیلگران سیاسی مواضع طرف‌های درگیر جنگ افغانستان در مورد روند صلح را تشریح کرده‌اند. مسأله اصلی کشورهای آسیای مرکزی در این روند، آینده گروه‌های تروریستی خارجی است که برخی اتباع شهروندان کشورهای پسا شوروی را در خود جای داده‌اند.

وضعیت نظامی-سیاسی کنونی در افغانستان پس از سال 2014 همچنان یک بحران پایدار است. در طول این دوره، درگیری‌های نظامی از جمله حملات تروریستی افزایش یافته که منجر به از دست رفتن زندگی و جان انسان‌های بسیاری شد.

از زمان امضای توافقنامه صلح بین ایالات متحده و طالبان در 29 فوریه 2020 در قطر، حملات همچنان ادامه دارد و گسترش یافته است. این را می‌توان به آرزوی برخی مخالفان در دستیابی به وضعیت و نفوذ پایدارتر در مذاکرات آتی برای توافق بر سر تقسیم قدرت نیز نسبت داد.

*** مواضع طرف‌های درگیر در روند صلح

دستیابی به صلح پایدار و مورد احترام همه در افغانستان پیچیده و چند وجهی است زیرا قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای دارای منافع و استراتژی‌های به هم مرتبطی در این کشور هستند.

ناهمگونی منافع بازیگران داخلی حتی وضعیت را بیش از پیش وخیم می‌کند. برای بررسی فضای سیاسی در افغانستان، باید مواضع احزاب مختلف را به طور مستقل در نظر بگیریم.

** دولت مرکزی

مقامات افغانستان به نمایندگی از رئیس جمهور اشرف غنی و رئیس شورای عالی صلح عبدالله عبدالله در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های خود بر تعهد خود نسبت به گفت‌وگو با طالبان تأکید می‌کنند. دولت افغانستان چندین کنفرانس و نشست آنلاین درباره صلح جامع در این کشور برگزار کرده و این تمایل آن‌ها را برای گفت‌وگو بین طرف‌های درگیر نشان می‌دهد.



با این حال به دلایل مختلف، طرف‌های مخالف در ماه‌های اخیر در میز مذاکره کنار یکدیگر نبوده‌اند. بازیگران خارجی در درجه اول ایالات متحده، در ماه‌های اخیر دولت افغانستان را تحت فشار قرار داده و این فشار این امکان را به رئیس جمهور غنی نداده تا از موضوع زندانیان آزاد شده و آزاد نشده در گفت‌وگوی صلح استفاده کند.

بنابراین دولت مرکزی تمایل خود را برای گفت‌وگوی بین طرف‌های درگیر افغانستان به طالبان اثبات کرده است.

**** موضع طالبان**

رهبران طالبان که با ایالات متحده توافقنامه صلح امضا کرده اند، متعهد به آغاز مذاکرات صلح با دولت افغانستان شده‌اند.

واقعیت این است که افراد سرآمد سیاسی طالبان، با خواست و از جانب خود نمی‌توانند حملات و خشونت‌ها را محدود کنند. طالبان یک گروه مختلط است و دلایل زیادی برای حمله به ارتش و غیرنظامیان وجود دارد.



یک عامل کلیدی در اینجا این واقعیت است که طالبان در ولایات و شهرهای مختلف قدرت‌های زیادی دارند و از یک مرکز واحد کنترل نمی‌شوند.

عامل دیگر انگیزه‌های مالی و اقتصادی، در دسترس بودن اسلحه و مهمات در اختیار آن‌ها است. قاچاق مواد مخدر، سنگ‌های قیمتی، مواد با ارزش و همچنین درآمد حاصل از پرداخت‌ها و مالیات نیازهای مالی این گروه را پوشش می‌دهد.

طبق برآوردهای مختلف، سود مالی طالبان در سال از 500 میلیون تا 1.5 میلیارد دلار است. طبق بیانیه‌های رسمی دولت افغانستان، گزارش‌های رسانه‌های داخلی و خارجی، حمایت مالی و دیگر حمایت‌های رسمی برخی کشورها به طالبان نیز نقش مهمی دارد.

علیرغم آزادی 5000 زندانی طالبان توسط دولت، این کشور هنوز شاهد درگیری‌های شدید با مرگ نظامیان و غیرنظامیان بی‌گناه است.

این امر نشان می‌دهد بی‌ثباتی و خصومت‌های مشخص در افغانستان ممکن است به طرز غیرقابل پیش‌بینی ادامه یابد.

**** موضع افراد بانفوذ و نخبگان سیاسی**

افراد با نفوذ و مطرح افغانستان در کشور مانند حامد کرزی رئیس‌جمهور سابق، یونس قانونی رئیس سابق مجلس و معاون رئیس‌جمهور، عبدالرب رسول سیاف از افراد با نفوذ دوران جهاد و رهبر حزب اتحاد اسلامی، اسماعیل‌خان وزیر سابق و یکی از افراد با نفوذ در بخش غربی و دیگران از گفت‌وگو و روند صلح در افغانستان حمایت می‌کنند.

این گروه سرآمد و نخبه روند صلح را در افغانستان تأیید می‌کنند تا نفوذ خود را بر اوضاع سیاسی-نظامی آینده این کشور حفظ کنند.

احزاب سیاسی با نفوذ در افغانستان مانند جامعه اسلامی افغانستان، حزب اسلامی حکمت‌یار، حزب وحدت اسلامی، جنبش اسلامی دوستم و سایرین نیز به شرط داشتن نماینده در گفت‌وگوها از روند صلح پشتیبانی می‌کنند.

** موضع گروه‌های مسلح خارجی

اکثر گروه‌های مسلح خارجی اعم از القاعده تا شبه نظامیان جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) هم در طول حکومت خود و هم در زمان مقاومت در برابر نیروهای غربی و ارتش افغانستان ارتباط نزدیکی با طالبان و اغلب با آنها همکاری داشته‌اند.

این گروه‌ها تحت هیچ شرایطی تمایل ندارند از صلح و ثبات پایدار در افغانستان حمایت کنند و نخواهند کرد زیرا ثبات در افغانستان سلطه و امنیت آنها را به خطر می‌اندازد.

در این صورت ممکن است تصور کنیم گروه‌های مسلح خارجی به منظور حمایت از شبه نظامیان مسلح برای جلوگیری از صلح جامع در افغانستان، موانعی را برای جلوگیری از گفت‌وگوهای بین‌افغانی به وجود خواهند آورد.

این گروه‌ها انتظار دارند قدرتی را که در سال‌های 1996 تا 2001 وجود داشت، یعنی اقتدار و تشکیل یک کشور را دوباره ایجاد کنند. در این راستا برخی گروه‌ها نظیر توحید و جهاد یکی از شعبات IMU و یا الامام بخاری و اتحادیه جهاد اسلامی، توافق طالبان با ایالات متحده را یک پیروزی برای طالبان بدانند و از طریق کانال‌های تلگرامی خود شروع به تهدید کشورهای آسیای مرکزی کنند.

** موضع کشورهای خارجی درگیر

طی 19 سال گذشته کشورهای مختلف به صورت علنی و خصوصی در حل و فصل یا تحریک مشکلات افغانستان دخیل بوده‌اند.

ایالات متحده، روسیه، پاکستان، ایران، کشورهای اروپایی، هند، چین، کشورهای عربی خلیج فارس، ترکیه و تا حدودی کشورهای آسیای مرکزی طی دو دهه گذشته بر اساس اهداف استراتژیک خود در این کشور نقش داشته‌اند.

ایالات متحده براساس توافقنامه امضا شده با طالبان در مرحله اول پنج پایگاه و 3400 سرباز از 12 هزار نیروی خود را از افغانستان خارج کرد و تا مه 2021 باید تمام نیروهای خود را از این کشور خارج کند.



ایالات متحده تا زمان خروج کامل نیروهای مسلح، باید مذاکرات صلح در افغانستان را شروع کرده و به صلحی مشروط برسد. در حال حاضر می‌دانیم توافقنامه صلح در افغانستان و خروج نیروهای آمریکایی از این کشور توسط ترامپ در انتخابات آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

دیگر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز می‌خواهند برای دستیابی به صلح کاری انجام دهند. امروزه قالب‌های معتبر قانونی همسو برای گفت‌وگوهای صلح در افغانستان وجود دارد که هر یک ارزش تجزیه و تحلیل جداگانه را دارد.

به طور کلی، موفقیت و اثربخشی گفت‌وگوهای صلح و گفت‌وگوهای بین‌افغانی تا حد زیادی به همسایگان این کشور- پاکستان و ایران- بستگی دارد که نمی‌توان هیچ یک را مستثنی کرد یا دست کم گرفت.

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد مواضع اصلی و کلی ایران و پاکستان نسبت به روندهای آینده در افغانستان در گفت‌وگوهای صلح و ثبات آن‌ها مفید خواهد بود.

***** چه انتظاراتی از گروه‌های مسلح خارجی وجود دارد؟**

تداوم تنش و جنگ داخلی در افغانستان نشانگر احتمال نه چندان قوی برای مذاکرات موفق و کارآیی گفت‌وگوهای بین طرف‌های درگیر در داخل افغانستان است.

همانطور که قبلاً ذکر شد منافع، استراتژی‌ها و انتظارات (گاه متضاد) قدرت‌های مختلف جهانی و منطقه‌ای در این کشور به هم مرتبط است.

با این وجود کارشناسان و تحلیلگران سیاسی مختلف در مورد روند صلح نظری مثبت دارند و درباره موفقیت احتمالی مذاکرات می‌نویسند.

صرفنظر از پیش‌بینی‌های آن‌ها، عواملی مانند توافقنامه صلح بین ایالات متحده و طالبان، آزادی حامیان آن‌ها از زندان و تبادل دوطرفه زندانیان می‌تواند در 40 سال جنگ داخلی این کشور بی‌سابقه تلقی شود.

مسئله اصلی کشورهای آسیای مرکزی در این روند، آینده گروه‌های تروریستی خارجی است که اتباع برخی کشورهای پسا شوروی را در صفوف خود دارند.



این گروه‌های افراطی که از آسیای مرکزی هستند، در دهه گذشته چندین بار تلاش کرده‌اند تا آسیای مرکزی را بی ثبات کنند.

با این حال، به دلیل تعداد ناکافی حامیان در بین مردم و ظرفیت نظامی کشورها، این گروه‌های افراطی در تحقق برنامه‌های خود موفق نبوده‌اند.

سازمان‌ها و جنبش‌های مسلح خارجی با خشم و کینه تیزی بازی خواهند کرد و از تمام قدرت و اختیارات خود استفاده می‌کنند تا مانع از آغاز و تا حد زیادی کارآمدی گفت‌وگوی صلح بین طرف‌های درگیر در افغانستان شوند.

حامیان القاعده، داعش و دیگر سازمان‌های تروریستی خارجی به وضوح اجازه و امکان روند صلح را نمی‌دهند. این مسئله آن‌ها را بسیار نگران خواهد کرد زیرا صلح در افغانستان به طور طبیعی بر روی آنها تأثیر گذاشته و فضا را برای فعالیت آن‌ها کاهش خواهد داد.



آن‌ها سه گزینه ممکن دارند.

1- می‌توانند به مقابله تا آخرین نفرات خود ادامه دهند، که معادل با از بین رفتن فیزیکی آن‌ها است

2- کاملاً تسلیم شوند و در انتظار یک دادرسی عادلانه باشند

3- به دیگر نواحی یا مناطق مستعد درگیری و بی‌ثباتی یا به شمال آفریقا و سومالی منتقل شوند.

ما شاهد تغییر وضعیت و جایگاه طالبان هستیم. واقعیت توافقنامه صلح آن‌ها با ایالات متحده، دعوت آن‌ها به قالب‌های مختلف حل و فصل مسالمت آمیز اوضاع در افغانستان و نیز تماس‌های رسمی و غیررسمی با کابل به ما این امکان را می‌دهد که بگوییم در حال حاضر طالبان در حال اصلاح و تبدیل شدن به عنوان عامل تشکیل قدرت است.

غیرقابل انکار است که در دولت آینده افغانستان حامیان یا نمایندگان طالبان وجود داشته باشند. آنها نقش اساسی در تحولات و روند سیاسی افغانستان خواهند داشت.

*** آینده سازمان‌های تروریستی خارجی

بر اساس تجزیه و تحلیل فوق، می‌توان سناریوهای زیر را برای سازمان‌های تروریستی خارجی در افغانستان به ویژه گروه‌های تروریستی از آسیای مرکزی در نظر گرفت.

تداوم وضعیت فعلی؛ بی‌ثباتی پایدار

روند صلح دائم و پایدار در افغانستان به دلیل منافع و استراتژی‌های به هم مرتبط بازیگران داخلی و خارجی و همچنین به دلیل عدم امکان توافق نخبگان سیاسی و فکری افغانستان شاید قابل پیش‌بینی نباشد.

در این شرایط، سازمان‌ها و جنبش‌های افراطی از آسیای مرکزی، فعالیت‌های خود را دنبال می‌کنند بنابراین پیش‌بینی اقدامات آن‌ها بسیار دشوار است.

موفقیت گفت‌وگوهای صلح و درگیری نیروهای دولتی و طالبان با گروه‌های خارجی

با توجه به موفقیت در مذاکرات صلح در افغانستان و حد وسط برای گروه‌های نخبه تقسیم قدرت، می‌توان سناریویی را در نظر گرفت که در آن حضور سازمان‌های مسلح خارجی برای هر دو طرف مضر است.

آن‌ها به یک برگ برنده و مزیت برای دیگران تبدیل شده و به طور کامل ریشه کن خواهند شد تا اثبات شود گروه‌های مسلح خارجی مسئول بی‌ثباتی در افغانستان بودند/هستند.

این سناریو بعید است اما می‌تواند موقعیت طالبان را در منطقه و عرصه بین‌الملل تغییر دهد. از طرف دیگر، کابل قادر خواهد بود برای تعدیل روندهای سیاسی، بیشتر به توافقات اعتبار ببخشد. طالبان پدیده عامل ایجاد قدرت را تقویت می‌کند.

راهی برای جنگجویان خارجی به عنوان پیش شرط صلح شکننده

ممکن است این سناریوی احتمالی را طرف دیگر سناریوی دوم بدانید. این تنها در صورتی امکان پذیر است که طالبان و کابل توسط خود و دیگر بازیگران خارجی تضمین شده باشند که فقط آن‌ها امور سیاسی کشور را مدیریت خواهند کرد.



در این شرایط، مبارزان و جنگجویان خارجی می‌توانند به شمال آفریقا، سومالی و سایر مناطق منتقل شوند. اما از آنجا که قدرت‌های جهانی با خشونت با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، این نیروها در صورت پشتیبانی نظامی و مالی مناسب می‌توانند به عنوان یک عامل بی‌ثبات کننده عمل کنند.

در این راستا، آسیای مرکزی به عنوان یکی از مناطق انتقال گروه‌های مسلح افراطی تلقی می‌شود اما به دلیل مزیت ژئوپلیتیک این منطقه، این گزینه بعید است.

کشورهای آسیای مرکزی باید مانع این سناریو شوند و با اقدامات پیشگیرانه یعنی همکاری همه‌جانبه و جامع، نیروهای امنیتی منطقه و با افغانستان را مدیریت کرده و کاری انجام دهند. فقط از این طریق می‌توان از نفوذ و تهدیدات گروه‌های تروریستی خارجی با اتباع آسیای مرکزی موجود در آنها کم کرد.

قالب جدید آسیای مرکزی-چین که اولین جلسه آن در سطح وزرا در 16 ژوئیه سال 2020 برگزار شد، نیز می‌تواند به طور سنتی چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و مقابله مشترک با افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی طلبی را پوشش دهد.

البته سناریوهای فوق ممکن است به واقعیت نپیوندد و روند سیاسی در افغانستان به روال مرسوم، و فراتر از تجزیه و تحلیل و پیش بینی توسعه یابد.

تجربه نشان می‌دهد نباید گروه‌های افراط‌گرای آسیای مرکزی را دست کم گرفت و در عوض باید برای بدترین سناریوها آماده بود.